

نقش اقتصاد مقاومتی بر توسعه اقتصادی از دیدگاه امام سجاد علیه السلام

چکیده:

دستیابی به استقلال در زمینه‌های مختلف از جمله اقتصادی، برای جوامع مسلمان ضروری است. یکی از راهکارهای دستیابی به استقلال اقتصادی، بکارگیری استراتژی اقتصاد مقاومتی است. موضوعی که در این مقاله مورد بحث قرار گرفته نقش اقتصاد مقاومتی بر توسعه اقتصادی از دیدگاه امام سجاد (علیه‌السلام) است، که باهدف تبیین و شناساندن توسعه اقتصادی و اقتصاد مقاومتی از منظر اسلام می‌باشد.

داشتن اقتصاد مقاومتی یک ضرورت اسلامی است چرا که بسیاری از آموزه‌های دینی در حوزه تشریح و تبیین دارای جهت‌گیری اقتصادی خاصی است و نگرش کلی اسلام به اقتصاد و بویژه جایگاه اقتصادی در دین را نشان می‌دهد. هدف اقتصاد مقاومتی اسلامی، رفع نیازهای جامعه عادلانه است. در این پژوهش سعی شده در ابتدا به ضرورت اقتصاد مقاومتی از دیدگاه امام سجاد(علیه‌السلام) مثل حفظ عزت و استقلال مسلمانان، مردمی‌سازی اقتصاد و خلاصی از وابستگی به نفت و ... و سپس عوامل و موانع پیشرفت اقتصاد مقاومتی و در فصل آخر به آثار فردی و اجتماعی اقتصاد مقاومتی بر توسعه اقتصادی جامعه از دیدگاه امام سجاد(علیه‌السلام) مثل روحیه قناعت‌گری، گسترش عدالت و ... پرداخته شود.

واژگان کلیدی: اقتصاد، اقتصاد مقاومتی و اسلامی، توسعه اقتصادی، امام سجاد(علیه‌السلام).

طرح بحث

در مدیریت کلان جامعه، تمام عرصه‌ها اعم از فرهنگ، سیاست، اقتصاد، اجتماع، هنر و روابط بین‌الملل به هم پیوسته‌اند و چنانچه یکی از این عرصه‌ها ضعیف باشد سایر بخش‌ها را دچار آسیب می‌کند اما در بیان پیشوایان معصوم: و نیز گواه دانشوران، با پیشرفت اقتصاد، جامعه رو به رشد، با تحرک و با نشاط پیش می‌رود.

با ظهور انقلاب اسلامی، شکل جدیدی از حکومت در دنیا پدیدار شد که بنای سازگاری با قطب قدرت استکبار را نداشته و به مبارزه با استکبار پرداخت. ظهور چنین حکومتی آن هم در منطقه خاورمیانه که از لحاظ اقتصادی، دارای اهمیت بسیار زیاد است، باعث شد که نظام استکبار جهانی با تمام قوا به مبارزه با انقلاب برخیزد.

با پایان یافتن جنگ و عدم پیروزی استکبار در زمینه‌های نظامی، تهاجمات به عرصه‌های دیگر کشیده شد. یکی از این عرصه‌ها که خصوصاً در سال‌های اخیر با تهاجمات گسترده همراه بوده است، عرصه‌ی اقتصادی است. بنابراین خود انقلاب اسلامی مکلف به نوآوری و نظریه‌پردازی و الگو سازی در عرصه‌های جدید اقتصادی است. هر کشوری که علم استکبار ستیزی را برپا کند، نیازمند چنین الگوهایی است. یکی از این مفاهیم، اقتصاد مقاومتی است و هدف از طرح نظام اقتصاد مقاومتی، تحقق عدالت اجتماعی، حفظ کرامت انسانی و رشد و تعالی انسان‌هاست.

برای رسیدن به این هدف و جامعه‌آرمانی اسلامی توسعه اقتصاد مقاومتی، اصلی مهم است. با مطالعه دقیق پیرامون عدالت اسلامی که از اهداف اصلی حکومت اسلامی است این نتیجه بدست می‌آید که تحقق عدالت، نیازمند حرکت‌هایی چون توسعه اقتصاد مقاومتی و اسلامی است و این مهم زمانی می‌تواند به ثمر بنشیند و معنای واقعی بیابد که به قصد تحقق عدالت و در مسیر آن باشد.

در این زمینه، مدیریت و مسئولیت‌پذیری همگانی، آگاهانه و مبتنی بر دانش و خرد و پرهیز از رفتارهای شعارگونه از اهمیت بسزایی برخوردار است.

لذا به دلیل حساسیتی که در حوزه اقتصاد وجود دارد، مقام معظم رهبری، در اوایل سال ۹۱



طرحی جدید مطرح نمودند و آن را «اقتصاد مقاومتی» نام نهادند تا بدین وسیله توجه دولت و مردم به ویژه اندیشمندان و مدیران ارشد اقتصادی رابه این موضوع که موضوعی بسیار حساس و محوری است، معطوف دارند. بدیهی است این نوع سیاست اقتصادی، که الگوی جدید است نیازمند تبیین و تحلیل و ارائه راهکار و راهبردهاست.

با توجه به اینکه عملکرد و رفتار مردم و شیوه معیشت آنان بیشتر نشأت گرفته از باورها و اعتقادات آنان می باشد، از این رو در مکتب اسلام الگوی عملی مسلمانان نشأت گرفته از انبیای الهی و ائمه اطهار(علیهم‌السلام) است.

در همین راستا سیره متعالی امام سجاد (علیه‌السلام) یکی از الگوهای تعیین کننده رفتارهای مسلمانان و به ویژه شیعیان می باشد. لذا تبیین دیدگاهها و رفتار عملی امام زین العابدین(علیه‌السلام)، می تواند در ترسیم خط مشی و جهت دهی به رفتارهای اقتصادی پیروان حضرتش بسیار سازنده باشد. چراکه انسان در برابر تغییرات از خود مقاومت نشان می دهد که می توان با شناسایی و معرفی منابع مطمئن و جذاب در تسهیل تغییرات، از میزان مقاومت در برابر تغییرات انسانی کاست. یکی از منابع بسیار مطمئن و پرجاذبه، سیره امام سجاد (علیه‌السلام) و استفاده از معارف متعالی آن حضرت در تغییرات در سطح افراد جامعه، به خصوص در سطح خانواده ها است. در این زمینه، با مطالعه آراء و اندیشه های صاحب نظران علوم تربیتی و دینی می توان دریافت که حضرت امام سجاد(علیه‌السلام) در ابعاد معرفتی، معیشتی، تربیتی و اخلاقی به عنوان الگویی متعالی و شایسته در جامعه اسلامی مطرح است.

۱. ضرورت و اهداف اقتصاد مقاومتی از دیدگاه امام سجاد (علیه‌السلام)

در اسلام یکی از امور مسلم بلکه ضروری دین، نفی سبیل و قطع راه‌های سلطه کفار و اجانب بر مسلمانان و جامعه اسلامی است. این تکلیف در قرآن بصورت خبر آمده است. (طباطبایی، ۱۳۶۳: ج ۵، ص ۱۸۵)

اقتصاد مقاومتی یکی از ابعاد استقلال کشورها به شمار میرود. استقلال در واقع ترجمان قاعده

«نفی سبیل» است.



این قاعده فقهی از آیه شریفه «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء/۱۴۱) و خدا هرگز برای کافران نسبت به اهل ایمان راه تسلط باز نخواهد نمود، برداشت شده است. توجه به تولید ملی و افزایش آن، به معنای خودکفایی در آن زمینه و دست یافتن به استقلال اقتصادی است. لذا حمایت از تولیدات ملی یکی از مقدمات واجب قاعده نفی سبیل و آن نیز زمینه ساز اقتصاد مقاومتی است.

تعریف اقتصاد مقاومتی

اقتصاد مقاومتی، یک نظام اقتصادی و مجموعه اقداماتی است که بتوان با آن هم در برابر ضربات دشمن ایستادگی کرد و هم در بلند مدت پیشرفت و تکنولوژی و تولید و ثروت را برای کشور به ارمغان آورد. برای تداوم این نوع اقتصاد، باید هرچه بیشتر به سمت محدود کردن استفاده از منابع نفتی و رهایی از اتکای اقتصاد کشور به این منابع حرکت کرد و توجه داشت که اقتصاد مقاومتی در شرایطی معنا پیدا می کند که جنگی وجود داشته باشد و در برابر جنگ اقتصادی و همچنین جنگ نرم دشمن است که اقتصاد مقاومتی معنا پیدا می کند.

مردمی که قناعت، تعادل و درست و به جا مصرف کردن را پیشه خود سازند، خودکفا و بی نیاز از دیگران خواهند بود و می توانند بی آن که دست نیازه سوی دیگران دراز کنند خود را مدیریت کنند و مسائل و مشکلات پیش روی را خودشان حل نمایند. در این صورت است که اقتصاد مقاومتی تجلی می یابد و فشارها و تحریم ها تأثیر خود را از دست می دهد و اتکا بر توان و نیروهای خودی ظهور می یابد.

از رویکردهای اقتصادی امام زین العابدین (علیه السلام) جایگاه ویژه ای در استقلال اقتصادی دارد، کار و تلاش مداوم برای ساماندهی اقتصادی است. این امر درسیره عملی و کلام گهربار ایشان به وضوح قابل مشاهده است.

از جمله اینکه آن حضرت در ضمن نیایش های خود در این باره می فرماید:

«وَخَلَقَ لَهُمُ النَّهَارَ مُبْصِرًا لِيَتَبَوَّغُوا فِيهِ مِنْ فَضْلِهِ وَ لِيَتَسَبَّبُوا إِلَى رِزْقِهِ وَ يَسْرَحُوا فِي أَرْضِهِ طَلِبًا»



لِمَا فِيهِ نَيْلُ الْعَاجِلِ مِنْ دُنْيَاهُمْ وَ دَرَكَ الْآجَلِ فِي آخِرِيهِمْ، بِكُلِّ ذَلِكَ يَصْلِحُ شَأْنَهُمْ» (دعای ششم صحیفه سجادیه)

و خداوند، روز را بینایی بخش قرار داد تا در آن به جست و جوی فضل حق خیزند و به اسباب رزق و روزی او دست یابند و در زمین او در پی سود ناپایدار دنیا و ادراک نفع همیشگی آن جهان به راه افتند، و (خداوند) بر اثر همه این امور (کار و تلاش و رفتن به دنبال رزق و روزی) کار ایشان را به سامان می‌آورد.

قرآن کریم و روایات، در خصوص این موضوعات به لحاظ مبنایی و محتوایی از غنای والایی برخوردار است و نقش بسزایی در کاهش و از بین بردن بحران‌های اقتصادی در گستره‌ی جامعه و تقویت یا تأمین سیاست‌های اقتصادی در اجتماع دارد. از این رو توجه به مسائل اقتصادی باید در رأس امور قرار گیرد و حل مشکلات اقتصادی از طریق راهکارهای اقتصادی صورت پذیرد، بنابراین در این فصل به برخی ضرورت‌های اقتصاد مقاومتی اشاره می‌گردد.

الف) حفظ عزت و استقلال مسلمانان

انسان در نهاد خویش گرایش به عزت دارد. قرآن کریم ضمن تأیید این گرایش در انسان، از وی می‌خواهد آنچه را واقعاً عزت‌بخش است دنبال کند.

«الَّذِينَ يَتَخَذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَبِئْتَهُمْ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا»

(نساء / ۱۳۹)

کسانی که کافران را به جای مؤمنان، دوست خود می‌گیرند آیا اینها می‌خواهند از آنان کسب عزت و آبرو کنند با اینکه همه عزت‌ها مخصوص خداست؟

استقلال اقتصادی آن است که یک جامعه، در تأمین منافع اقتصادی خود به جوامع دیگر متکی نباشد و زمام امور اقتصادی آن نیز در دست دیگران نباشد، به عبارت دیگر، سرمایه، کارشناس و امکانات سایر جوامع اقتصاد آن را به حرکت درنیورده باشد. چراکه بدست آوردن استقلال مقدمه‌ای بر امنیت اقتصادی نیز هست.



برای دستیابی به امنیت اقتصادی، باید به استقلال اقتصادی دست یافت. استقلال اقتصادی به مفهوم قدرت تصمیم‌گیری بر منافع است. این مهم زمانی حاصل می‌شود که کشور، به قدرت اقتصادی فزون‌تر از رقیب خود دست یابد و همچنین در کالاهای راهبردی خودکفا شود. (میرمعزی، ۱۳۸۱: ص ۲۴)

شرط برتری مؤمنان بر کافران التزام به ایمان است. یعنی روح دین در جامعه وجود داشته باشد، جامعه‌ای که به لوازم ایمان ملتزم باشد، زیر سلطه نخواهد رفت، بنابراین معیار جامعه‌ایمانی، عزت جامعه است، اما این به معنای نفی روابط نیست. (یوسفی، ۱۳۷۵: ص ۱۳۸)

ب) مردمی سازی اقتصاد، ارتقاء مقاومت اقتصادی در برابر تحریم‌ها

برای اینکار، در گام اول می‌بایست توانمندسازی آحاد مردم در دستور کار قرارگیرد تا زمینه برای حضور موثر همه افراد در فعالیت‌های مولد اقتصادی فراهم شود. وحدت و همکاری میان فعالین می‌تواند به اشکال گوناگون شبکه‌سازی، خوشه‌سازی، زنجیره تامین و... در دستور کار قرار گیرد. لیکن با محوریت نظم‌های جمعی میان فعالیت‌ها، آرمان‌های مردم‌سازی اقتصادی محقق شده و سطح پایداری و مقاومت اقتصادی در برابر تحریم‌ها و فشارها ارتقاء می‌یابد. (یوسفی، ۱۳۷۵: ص ۱۴۰)

ج) خلاصی از وابستگی به درآمد نفت، مصداق خود اتکایی

ساز و کارهای حوزه اقتصادی بایستی به گونه‌ای مورد بازبینی قرارگیرند که تمامی مواردی که وابستگی کشور را به دنبال دارد، شناسایی نموده و درخصوص آن تصمیم‌گیری نمایند. در موارد کم‌اهمیت‌تر می‌توان این حوزه‌ها را متنوع و متکثر نمود تا میزان وابستگی کشور کاهش یابد. در موارد خاصی نیز ممکن است جایگزین‌سازی کامل مد نظر قرار گیرد. برخی از سیاست‌هایی که در این خصوص قابل طرح هستند عبارتند از: جایگزینی درآمدهای جاری به جای نفت مانند؛ مالیات و درآمدهای ترانزیتی و... و نیز گسترش شرکای تجاری از یک شریک عمده به چندین شریک کوچکتر.....



از اهداف و مؤلفه های اصلی اقتصاد مقاومتی، خودکفایی و استقلال اقتصادی و بی نیازی از انسان های مستکبر و ظالم است. این امر مورد تأیید و تأکید حضرت امام سجاد (علیه السلام) نیز می باشد. مطابق دیدگاه متعالی امام سجاد (علیه السلام)، از شاخصه های اقتصاد مطلوب و شایسته، بی نیازی به دیگران است.

در این زمینه آن حضرت فرموده اند:

«طَلَبُ الْحَوَائِجِ إِلَى النَّاسِ مَذَلَّةٌ لِلْحَيَاةِ وَ مَذْهَبَةٌ لِلْحَيَاءِ وَ اسْتِخْفَافٌ بِالْوَقَارِ وَ هُوَ الْفَقْرُ الْحَاضِرِ، وَ قِلَّةٌ طَلَبِ الْحَوَائِجِ مِنَ النَّاسِ هُوَ الْغِنَى الْحَاضِرِ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۷۵، ص ۱۳۶)

دست نیاز به سوی مردم دراز کردن، سبب ذلت و خواری در زندگی و در معاشرت خواهد بود و نیز موجب از بین رفتن حیا و ناچیز شدن شخصیت خواهد شد، به طوری که همیشه احساس نیاز و تنگ دستی نماید و هرچه کمتر به دیگران رو بیندازد و کمتر درخواست کمک نماید بیشتر احساس خودکفایی و بی نیازی خواهد داشت.

۴. فرهنگ سازی اولویت تولید بر واردات و خرید کالای داخلی

علاوه بر ترویج و تبلیغ مفاهیم عام حوزه فرهنگ مقاومت همچون جهاد و مبارزه، در حوزه اقتصادی نیز بایستی مفاهیم فرهنگی مناسبی بسط و توسعه یابد. ترجیح تولید بر واردات و خرید کالای داخلی مساله مهمی است که در بسیاری موارد با موانع فرهنگی روبروست. نفی تکاثر در عین تبلیغ کار و تولید ثروت، نفی اسراف در عین ترویج مصرف میانه و... نیز بایستی محور توجه قرار گیرند.

بایستی به لحاظ فرهنگی چنان مساله مطرح شود که جهاد اقتصادی همانند جهاد نظامی مد نظر قرار گرفته و فعالیت مفید اقتصادی امر مجاهدت در راه خدا را داشته باشد.

اینها گوشه‌ای از اهداف و ضرورت‌های اقتصاد مقاومتی است که تنها با امتداد راه جهاد اقتصادی میسر خواهد شد. ایجاد شرایطی نسبتاً پایدار، اقتصادی ایمن و مقاوم و خود کفایی که آرزوی هر ملتی است.



۲. اصول راهبردی اقتصاد مقاومتی

«مقصود از اصول راهبردی، رویکردهای حاکم و جهت دهنده تدابیر و رفتارهای اقتصادی است. ویژگی‌های این اصول ریشه در مبانی اعتقادی نظام اقتصادی داشته، به طور منطقی بر آنها مبتنی هستند. در نتیجه نوعی هماهنگی در باور و عمل مردم که به آن مبانی معتقدند، ایجاد خواهد شد. این اصول بستر شکل‌گیری الگوهای رفتاری و فعالیت‌های اقتصادی هستند و به تحقق اهداف اقتصادی نظام کمک شایانی میکنند.» (یوسفی، ۱۳۷۵: ص ۳۴۰)

برای روشن شدن بیشتر، به بیان تعدادی از این اصول می‌پردازیم:

۱. اصل عدالت‌محوری

جایگاه والای عدل و عدالت در نظام اسلامی بر کسی پوشیده نیست. امام کاظم (علیه‌السلام) می‌فرماید: «لَوْ عُدِلَ فِي النَّاسِ لَأَسْتَعْتَبُوا» اگر میان مردم، به داد رفتار شود، بی‌نیاز می‌شوند. از مطالعه منابع اسلامی بدست می‌آید که نظام اقتصادی اسلام بر پایه عدل در جامعه می‌باشد و هدف اصلی خداوند از ارائه احکام و ارسال کتب آسمانی و ارسال پیامبران برپایی قسط و عدل می‌باشد.

«لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید/۲۵)

ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند.

حضرت سجاد (علیه‌السلام) جهت برقراری عدالت اقتصادی در جامعه تلاش می‌نمود و در این راستا یکی از اقدامات آن حضرت جهت رفع مشکلات اقتصادی و معیشتی افراد نیازمند و محروم، دستگیری و کمک‌های غیرعلنی و بدون ریای آن حضرت است. در این زمینه از ابن اسحاق نقل است که میگوید: در مدینه خانواده‌هایی بودند که احتیاجات آنها برطرف میشد و آنها نمی‌دانستند که این مساعدت‌ها از کجاست و وقتی که حضرت علی بن الحسین (علیه‌السلام) به شهادت رسید، فهمیدند که از جانب آن حضرت بوده است. (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۴۶، ص ۵۶)



۲. اصل کار و تولید

انسان به طور غریزی برای بقاء و حیات خویش به چیزهایی نظیر لباس، مسکن و غذا احتیاج دارد که وسائل معاش او هستند و هیچ زمانی را نمی‌توان تصور کرد که انسان تنها زندگی می‌کرده و هیچ‌گونه مشارکتی با هم‌نوع خود نداشته است اما از آن زمان که تقسیم کار و وظایف در میان مردم ولو در ساده‌ترین شکل خود بوجود آمد روابط اقتصادی نیز صورت گرفت خواه آنکه وسائل معاش را با کار ایجاد کرده باشند، یعنی تولید صورت گرفته باشد و یا اینکه به صورت آماده از طبیعت گرفته باشند. (مطهری، ۱۳۶۸: ص ۲۹)

کار: بدین ترتیب کار و تلاش برای تولید اصل اساسی و ناگزیر هر انسان می‌باشد اما باید حتماً به این نکته توجه داشت کار و تولید به لحاظ قانون شریعت و در چارچوب آن صورت گیرد و الاً ممکن است در قالب‌های نامناسبی قرار گیرد.

«يَسِّرْ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَىٰ وَ إِنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَىٰ» (نجم/ ۳۹ و ۴۰)

انسان جز حاصل کوشش خویش چیزی ندارد و نتیجه کوشش وی به‌زودی دیده خواهد شد.

تأیید میل طبیعی انسان به جهاد اقتصادی و استفاده بهینه از آن در جهت کسب کمالات، از دیگر ویژگی‌های نظام اقتصادی اسلام است. البته این ویژگی بر جهان‌بینی اسلام و نگاه ویژه‌اش به رابطه دنیا و آخرت مبتنی است. که نهایتاً منجر به کار و تلاش مضاعف، می‌گردد و از عوامل مؤثر در دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی است.

تولید: در اقتصاد سرمایه‌داری هدف و انگیزه اصلی تولید و هر فعالیت اقتصادی، کسب سود مادی و استفاده بیشتر از مواهب مادی است.

از منظر امام سجاد (علیه‌السلام) از شاخصه‌ها و مبانی اقتصاد سالم، تلاش در کسب روزی حلال است.

در همین راستا آن حضرت می‌فرماید: «هر کس در طلب حلال باشد، آن طلب و تلاش، از جانب خداوند صدقه‌ای برای او محسوب می‌شود» (بروجردی، ۱۳۸۸: ج ۱۷، ص ۱۳)



۳. عوامل پیشرفت اقتصاد مقاومتی

مسئله توسعه و پیشرفت اقتصادی از مهم ترین مسائل اقتصادی است. پیشرفت و رشد اقتصادی زمینه ساز قدرت اقتصادی است، بر این اساس می بینیم که در تعالیم اسلامی به آن دستور داده شده تا جامعه اسلامی از رشد اقتصادی برخوردار شود.

برای مثال خداوند متعال آبادانی زمین را به عنوان مسئولیتی از انسان خواسته است:

«هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا» (هود/ ۶۱)

اوست که شما را از زمین بیافرید و آبادی آن را به شما واگذاشت.

خداوند متعال همچنین انسان را متمایز از سایر مخلوقات آفرید تا او بتواند وظیفه عمران و آبادانی را انجام دهد. پروردگار همچنین، به فضل و کرم خویش تمام امکانات لازم را در انجام این مأموریت برایش فراهم کرد. از این رو سر نوشت انسان و آینده او در دنیا و آخرت با توجه به انجام یا عدم انجام این مأموریت رقم می خورد و تعیین می شود. (اختردانش، ۱۳۸۵: ص ۵۴)

حالا این سؤال مطرح می شود عوامل پیشرفت چیست؟ یا برای پیشرفت باید چه بعدهایی را در نظر داشت؟ بنابراین در این مبحث برخی از عوامل مورد بررسی قرار می گیرد.

الف) کار و تلاش

ارزش کار اقتصادی در دین چنان است که بنابر متون دینی، برترین انسان ها به آن می پرداختند. کار از مهم ترین شاخص های پیشرفت است. در قرآن و روایات هدف از کار عمران زمین است، واژه عمران به معنای آبادی است و همانطور که اشاره شد در قرآن سوره هود به صراحت بیان شده است.

نقش کار و تلاش برای رسیدن به توسعه اقتصادی از همه جنبه ها بالاتر است، برای رسیدن به عزت در جامعه اسلامی نیازمند پیشرفت در جنبه های گوناگون هستیم و این مهم میسر نیست جز با کار و تلاش چون یکی از چیزهایی که خواری و ذلت را برای انسان بوجود می آورد آنجایی است که خود را از زیر بار کار می رهند و دست نیاز به سوی دیگران دراز می کند.



خلاصه کار و فعالیت اقتصادی نه تنها کمک به جامعه برای پیشرفت است بلکه باعث اعتماد به نفس و تحکیم شخصیت است و به انسان عزت و شرف می‌بخشد سعی و کوشش برای امرار معاش، نشانه وظیفه‌شناسی اجتماعی است و آدمی را از دیگران بی‌نیاز می‌کند. اشتغال به کار و مجاهده در راه تأمین زندگی شرافت‌مندان، مایه سربلندی و افتخار و از عوامل سازگاری خانوادگی و اجتماعی است. کسی که زحمت می‌کشد و با دسترنج خویش، معاش خود و زن و فرزند را اداره می‌کند، در پیشگاه الهی مأجور و مورد احترام خانواده و مردم است. (نراقی، ۱۳۹۰: ص ۳۵)

ب) دعوت مسلمانان به الگوگیری خلاق از دیگران

اسلام از مسلمانان خواسته است که اولاً علوم و فنون و حکمت را از دیگران اخذ کنند ثانیاً بصورت خلاق با آن برخورد کنند.

بعنوان مثال: امام علی (علیه‌السلام) می‌فرماید:

«خُذِ الْحِكْمَةَ أَنَّى كَانَتْ فَإِنَّ الْحِكْمَةَ ضَالَّةٌ كُلُّ مُؤْمِنٍ» (آمدی، ۱۳۸۹: ص ۴۱۰)

حکمت هر جا بود فراگیر که حکمت گمشده مؤمن است.

بنابراین مسلمانان باید برخوردی آگاهانه و خلاق از علوم دیگران و سایر فرهنگ‌ها داشته باشند، آنها موظف‌اند از یک طرف هرگز خود را از عناصر مفید دیگر محروم نکنند و از طرف دیگر کورکورانه نیز آن را نپذیرند بلکه آن را هضم و جذب کنند چنانکه مسلمانان صدر اسلام در برخورد با سایر فرهنگ‌ها چنین کردند و ضمن اخذ علوم از دیگران به آن هویت خودی دادند. (موسایی، ۱۳۹۰: ص ۱۹۵)

در حقیقت از طریق برنامه‌ریزی و برنامه‌سازی و فعالیت‌های تبلیغی، بهره‌گیری از رسانه‌های ارتباط جمعی و ابزار چندرسانه‌ای و دیگر حوزه‌های نرم‌افزاری که فعالیت و کار در آنها امکان‌پذیر باشد می‌توان فرهنگ جامعه را با روش‌های گوناگون به‌سوی تلاش و کوشش فراوان برای نیل به خودکفایی اقتصادی سوق داد.

ج) برابری و مساوات

پویایی اقتصادی و ارتقای بهره‌وری تنها در شرایط مناسب اقتصادی و حذف ویژه‌خواری‌ها و



رانت خواری‌ها امکان پذیر خواهد بود. وجود این آفات در عرصه اقتصادی و سیاسی کشور سبب خواهد شد که تلاشگران عرصه ی اقتصادی و صنعتی بجای اهتمام به فعالیت های صحیح اقتصادی به فعالیت ها و روابط ناسالم که معمولاً درآمدهای بالاتری نیز دارند، سوگیری و گرایش یابند. دیدگاه امام علی (علیه السلام) به حاکم اسلامی این گونه است که وقتی عده ای از مردم در هر گوشه ای از مملکت اسلامی برای حداقل معاش خود در مضیقه باشند عده دیگر حق ندارند از ناز و نعمت برخوردار شوند.

اسلام برای پر شدن شکاف طبقاتی در جامعه، راههای مختلف و طرحهای مناسب ارائه داده است که از جمله آنها پرداخت حقوق واجبی است که بعنوان حق مستمندان بر توانگران تعیین شده و نیز انفاق های مستحبی در یک جامعه باایمان که ارزشهای الهی در آن اصالت دارد و حاکم است نقش مهمی در زائل کردن فقر ایفا می کند، و اینها بر اساس ارزش هایی استوار است که نه تنها از تلاش و تولید انسانها نمی کاهد و جلوگیری نمی کند بلکه زمینه و مشوقی است بر انجام بیشتر کار و فعالیت مثبت و مفید برای خود و اجتماع.

د) آموزش های عمومی، از طریق رسانه های ارتباط جمعی

امروز یک بازوی قوی و غیر قابل انکار، فرهنگ سازی و تبلیغ رسانه ها هستند و ترویج فرهنگ درست باید از این طریق صورت گیرد.

به کارگیری هدفمند رسانه های دیداری و شنیداری و ارتباط جمعی، بویژه صدا و سیما، در کنار آموزش های تخصصی به مدیران و متولیان مربوط، اهمیت زیادی دارد.

همانگونه که حضرت امام خمینی (رحمت الله علیه) فرمودند:

«صدا و سیما به مثابه دانشگاه عمومی است. پس بایسته است ضبط و پخش برنامه های هدفمند و اثرگذار در جهت گسترش فرهنگ کار و تلاش در بین تمام جامعه اجرا گردد. صدا و سیما در این مسیر باید به بازنمایی فعالیت ها و تقویت انگیزه ها مبادرت ورزد.» (اسحاقی، ۱۳۹۰:

ص ۱۶۴)



فرهنگ سازی و ایجاد گفتمان فراگیر برای تحقق عملی شعارها، از ضرورت‌های اولیه برای ایجاد بسیج همگانی است و با تکیه بر توجه عملی بجای شعار و کار تبلیغی صرف صورت می‌پذیرد و می‌توان از آیات و روایات و سخنان آموزنده و نغز بزرگان در تبلیغات استفاده کرد.

۴. موانع پیشرفت اقتصاد مقاومتی

اینکه می‌بایست به موضوع اقتصاد مقاومتی توجه ویژه شود یعنی برای حرکت در راستای بهبود و اصلاح شرایط اقتصادی، لازم است تا برای رفع مشکلات اقتصادی کشور گام برداشته شود. برای این منظور باید موانع اصلی دستیابی به رشد اقتصادی در کشور را شناسایی، و از طریق سیاست‌های اقتصادی با تأکید بر علم اقتصاد با محوریت اسلامی آن موانع برطرف شود. در مرحله اول لازم است تا بر تعدادی از موانع اصلی که همان گره‌های کور اقتصاد ایران است و همگان از کارشناسان گرفته تا سیاست‌گذاران بر وجود آنها اذعان دارند بپردازیم.

الف) اسراف و مصرف‌زدگی

یکی از مهم‌ترین موانع پیشرفت، اسراف می‌باشد مسأله اسراف تا به آنجا اهمیت دارد که در قرآن آمده است:

«أَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ» (غافر/۴۳) و مسرفان اهل آتش‌اند.

در آیات و روایات متعدد به این مسأله اشاره شده است. پس انسان مسلمان در استفاده ناصحیح از نعمت‌های الهی آزاد نیست و تعالیم ارزشمند اسلام نیز در جهت استفاده صحیح از منابع طبیعی و بیت‌المال می‌باشد.

در همین راستا امام سجاد (علیه‌السلام) در ضمن دعایی از خداوند متعال درخواست می‌کند که روش صحیح مصرف و الگوی درست معیشت را به او نشان دهد. «پروردگارا! ... پرده ای بین من و اسراف حایل کن و با در پیش گرفتن انفاق و میانه روی به زندگی من قوام بخش و راه‌های صحیح مصرف و اندازه‌گیری در معیشت را به من تعلیم فرما و به لطف خود مرا از ارتکاب تبذیر

برکنار دار.» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ج ۴۶، ۱۶۱)



یکی از راه‌های حفظ ثروت‌ها جلوگیری از اسراف و مصرف‌زدگی است. درست است که مردم باید از نعمتها بخوبی استفاده کنند و بهره‌برند ولی این بهره‌وری باید در حد اعتدال و میانه‌روی و صرفه‌جویی باشد و اگر روحیه افراط و زیاده‌روی و اسراف در جامعه بوجود آید توازن تولید و مصرف بهم خواهد خورد و مصرف‌زدگی نیازهای کاذب و اشباع‌ناپذیر را در مردم بوجود خواهد آورد.

اسراف یکی از موانع بزرگ توسعه اقتصادی می‌باشد زیرا سبب فقر می‌شود و باعث تضییع حقوق دیگران می‌گردد و از آنجا که اسراف مصداق بارز کفران نعمات الهی است، هشدار است به همه افراد و ملت‌هایی که غرق نعمت‌های الهی هستند تا بدانند هرگونه اسراف و تضییع نعمت‌ها جریمه‌ای سنگین دارد و هشدار است به آنها که همیشه نیمی از غذای اضافه خود را به زباله‌دانها می‌ریزند و به آنها که برای سفره‌ای که سه چهار نفر میهمان بر سر آن دعوت شده‌اند معادل ۲۰ نفر از غذاهای رنگین تهیه می‌بینند و حتی باقیمانده‌اش را به مصرف گرسنگان نمی‌رسانند. (هاشم‌زئی، ۱۳۷۸: ص ۱۹۹)

همان‌طور که در سوره نحل آمده است کفران نعمت سبب از بین رفتن نعمت‌ها و فقر می‌شود. بنابراین اگر از تولیدات اضافی و ولخرجی‌ها جلوگیری شود و امکانات، درست مصرف شود، زندگی هزاران نیازمند تأمین می‌شود. اسراف ناسپاسی نعمت‌های خداست و اگر این‌گونه کفران نعمت، سبب زوال نعمت شود، اسراف‌گران مقصرند. پس باید با قناعت و دوری از ریخت و پاش را به یک فرهنگ تبدیل کنیم تا این مانع بزرگ از سر راه برداشته شود.

ب) تنبلی و کسالت

تنبلی و کسالت، مانع اصلی شکوفایی استعدادهای آدمی است، و همانند پیچکی است که به نهال شخصیت انسان پیچیده، آن را از رشد و سرسبزی باز می‌دارد و هرگز نخواهد گذاشت که نهال وجود آدمی حاصلخیز و بارور شود هیچ جامعه‌ای با تنبلی و سستی به شکوفایی نرسیده و هیچ شخصی با کاهلی بالنده نشده است.

بیکاری برای فسادآفرینی و انحراف کافی است و در نتیجه مانع فعالیت‌های اقتصادی رشد



دهنده و جهادگونه بوده و عامل فساد و نابهنجاری‌های اجتماعی می‌باشد.

و البته یکی از مضرات تنبلی و بی‌حوصلگی آن است که فرد به حق خود نمی‌رسد چون حوصله گرفتن حق خود را ندارد.

امام کاظم (علیه‌السلام):

«از تنبلی و بی‌حوصلگی بپرهیز! چه اگر تنبل باشی به کار بر نمی‌خیزی و اگر بی‌حوصله باشی

به حق خود نمی‌رسی» (حکیمی، ۱۳۸۵: ج ۴، ص ۴۳۹)

در نتیجه جدی گرفتن کار و اهمیت دادن به آن است که اقتصاد جامعه اسلامی متحول شده و به واقع جامعه در مسیر توسعه قرار می‌گیرد و یکی از مهم‌ترین موانع پیشرفت توسعه اقتصادی برچیده می‌شود.

ج) ناآگاهی و عدم تخصص

در زندگی بشر مسأله آموزش و پرورش از مسائل کلیدی و دارای اهمیت است زیرا علم و تربیت است که کشور را دگرگون می‌کند. در کشور و جامعه‌ای که آموزش و پرورش ضعیف باشد آن جامعه قابلیت زندگی را ندارد، چون انسانیت و وجدان و در رأس آن دین و ایمان در چنین جامعه‌ای مفهومی نخواهد داشت.

نبود آموزش مناسب سبب می‌شود جامعه نتواند با زمان و نیازهای آن همگام شود. خلاصه سخن آنکه رشد و پیشرفت و سعادت‌مندی با علم و آگاهی پیوند دارد و آشفتگی و نابسامانی، خود باختگی‌ها، غرورهای آفت‌زا، تعصبات، کم‌ظرفیتی و غفلت از دشمنان از جهل و ناآگاهی بر می‌خیزد. (اختردانش، ۱۳۸۵: ص ۴۵)

تخصص، امری است که موجبات پیشرفت را فراهم می‌آورد و اجتماع، در همه بخش‌های آن باید بدان سو سوق پیدا کند که تخصص و مهارت در کار و یا صنعت ضروری شود و به ترویج آن پرداخته شود و این اصل همچون محوری شود که وسیله بهبود، اصلاح و پیشرفت خواهد بود.



قال النبی(صلی الله علیه و آله و سلم):

«مَنْ عَمِلَ عَلَىٰ غَيْرِ عِلْمٍ، كَانَ مَا يُفْسِدُ أَكْثَرَ مِمَّا يُصْلِحُ»

هر کس بدون علم به کار (مهارت تخصص) دست به کاری زند، بیش از آنکه آباد کند، تباہ می‌سازد. (حرانی، ۱۳۸۵: ص ۳۹)

بنابراین نبود آگاهی و آموزش صحیح نیروها می‌تواند مانعی بزرگ بر سر راه رشد اقتصادی کشور اسلامی ایجاد کند که در جامعه توجه به آن حائز اهمیت است.

د) رانت خواری

متأسفانه در بیشتر جوامع نوعی فساد مشاهده می‌شود که می‌تواند باعث گسترش فساد به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم شود؛ ساختار انحصاری قدرت در دولت امکان مداخله خودسرانه در فعالیت‌های اقتصادی را بدست‌اندرکاران می‌دهد. برخورداری از چنین قدرتی در کنار دسترسی به اطلاعاتی که در اختیار عامه مردم نیست، به ایجاد فرصت‌هایی برای مقامات دولتی می‌انجامد. تا بتوانند منافع خود یا دوستان و نزدیکانشان را به بهای کاهش منافع عموم افزایش دهند و در عین حال به رغم اختیارات زیاد، مسئولیت‌چندانی در قبال کارهای خود ندارند. به همین خاطر هم هست که سیاست‌گذاران ارشد معمولاً نمی‌خواهند فعالیت‌هایشان کاملاً شفاف باشد.

رانت در ساده‌ترین معنا سوء استفاده از فرصت‌ها و امکانات جامعه است. از مهم‌ترین زیان‌های رانت خواری: افزایش بیکاری، مصرف زیاد، افزایش تورم، حذف وجدان کاری، فساد گسترده مالی می‌باشد. بنابراین حضور دولت در فعالیت‌های اقتصادی و سیاست‌های قیمت‌گذاری عامل مهمی در ایجاد فساد اقتصادی و اداری است. (رک: اسحاقی، ۱۳۹۰: صص ۲۵۰-۲۸۱)

۵. آثار فردی اقتصاد مقاومتی بر توسعه اقتصادی

مسئولیت‌پذیری افراد در قبال جامعه اصلی اساسی و بسیار مهم است و هر فردی باید در حد استعداد و توان خودش در تأمین پیشرفت جامعه نقش داشته باشد اما اقتصاد مقاومتی بر توسعه اقتصادی، دارای آثار فردی بسیاری می‌باشد که در ذیل چند نمونه از آن را بیان می‌کنیم:



الف) ایجاد روحیه قناعتگری

از آثار فردی اقتصاد مقاومتی بر توسعه اقتصادی، ایجاد روحیه قناعت در افراد جامعه است و تلاش برای رسیدن به این مهم از ضروریات است. اقتصاد مقاومتی و اسلامی بر خلاف اقتصاد غربی، بر قناعت و پرهیز از مصرف‌گرایی تأکید دارد. اقتصاد غربی نیازهای انسان را نامحدود و منابع و امکانات جهان را محدود می‌داند، در حالی که در اسلام منابع و امکانات نامحدود معرفی شده‌اند. نگاه اسلام به مسأله اقتصاد خدامحورانه و اصلاح و سعادت انسان است.

حضرت امام سجاد (علیه‌السلام) رعایت تعادل و میانه روی در معیشت را زمینه ساز عاقبت بخیری و فزونی نعمت معرفی نموده و در این زمینه فرموده است:

«لینفق الرجل بالتصد و بلغه الکفاف و یقدم الفضل منه لآخرته. فان ذلک ابقی للنعمه و اقرب

الی المزید من الله تعالی و انفع» (قرشی، ۱۳۸۵: ج ۲، ص ۲۱۸)

انسان باید به مقدار اعتدال و به قدر کفاف خرج کند و زیادیاش را برای آخرت بفرستد، زیرا چنین رفتاری باعث بقای بیشتر نعمت گشته و به فزونی نعمت از جانب خدا نزدیکتر و در عاقبت سودمندتر است.

رفتاری باعث بقای بیشتر نعمت گشته و به فزونی نعمت از جانب خدا نزدیکتر و در عاقبت سودمندتر اسحد و مرز قناعت، مقداری است که ما را از حرام باز دارد این حدّ از داشتن، برای بیشتر افراد، میسر و فراهم است یعنی داشتن خوراک و پوشاک و مسکن و همسر مورد نیاز، و پوششی مناسب، تا اینکه بدین وسیله به گناه نیافتند. آنچه مشکل‌آفرین است، زیاده‌خواهی‌های نفس و روی آوردن به لذت‌ها و رفاه‌ها و خواسته‌های فراتر از حدّ کفاف است که باعث می‌شود انسان از راه غیر حلال تأمین کند و جزو مسرفین باشد. (محدثی، ۱۳۸۸: ص ۱۹)

ب) تقوای پیشگی و ساده زیستی در مصرف

اگر تقوای پیشگی در مصرف همه افراد جامعه لحاظ شود یعنی همان ایجاد حس غنی بودن با تلاش و قناعت یک بُرد و امتیاز بزرگ برای جامعه به‌شمار می‌رود.

تقوای پیشگی در همه امور و شئون یک مسلمان اثرگذار است و انسان را در مسیر سالم و الهی



قرار می‌دهد. مصرف نیز جدا از این برنامه‌ها نیست. ولخرجی کاری غلط و گناه است، پادزهر آن تقوا است زندگی بر پایه تقوا، هم پروا پیشگان را برخوردار می‌سازد، هم مانع مصرفهای غلط می‌شود و امتیازی برای متقین است. (محدثی، ۱۳۸۸: ص ۴۱)

در بینش زین العابدین (علیه‌السلام)، ساده زیستی و قانع بودن به حداقل های زندگی و خیر و منفعت رساندن به دیگران از صفات افراد گرامی و ارزشمند شمرده شده است.

«سَادَةُ النَّاسِ فِي الدُّنْيَا الْأَسْخِيَاءُ وَ سَادَةُ النَّاسِ فِي الْآخِرَةِ الْأَتْقِيَاءُ» (حرانی، ۱۳۸۴: ص ۴۰۹)
سروران مردم دنیا سخاوتمندان و در آخرت، پرهیزگاران هستند. حضرت در روایتی دیگر فرموده اند: گرامیترین انسانها نزد مردم، کسی است که زیاد خیرش به مردم برسد و نیازی به آنها نداشته باشد و... (طبرسی، ۱۴۰۳ق: ص ۱۷۴)

ج) بندگی خدا در کار کردن

اگر فعالیت‌های اقتصادی با انگیزه‌های الهی باشد بهترین اثر آن است که وسیله‌ای برای رسیدن به قرب الهی می‌باشد. وگرنه دنیا طلبی امری زشت و ناپسند خواهد بود.

خداوند عزوجل در سوره نور می‌فرماید:

«رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَ لَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَ إِقَامِ الصَّلَاةِ وَ إِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَ الْأَبْصَارُ» (نور / ۳۷)

مردانی که نه تجارت و نه معامله‌ای آنان را از یاد خدا و برپاداشتن نماز و ادای زکات غافل نمی‌کند، آنها از روزی می‌ترسند که در آن، دل‌ها و چشم‌ها زیر و رو می‌شود.

یکی از آثار اصلی اقتصاد مقاومتی بر توسعه اقتصادی در اسلام جلب رضایت خداوند است. اگر مسلمانان بدانند که باتلاش فراوان اقتصادی می‌توانند شبانه‌روز عبادت کنند قطعاً فعالیت‌های اقتصادی بدون تنبلی و کسالت و با شور و هیجان فراوان تری خواهد بود و توسعه در زمینه اقتصاد بو و رنگ خدا به خود می‌گیرد.



۶. آثار اجتماعی اقتصاد مقاومتی بر توسعه اقتصادی

برای بقای یک جامعه، کار کردن از وظایف اصلی اجتماعی است و هیچ کس نباید از زیر بار آن شانه خالی کند، زیرا همه افراد جامعه از دسترنج یکدیگر بهره می‌برند همانگونه که هر فرد از حاصل تلاش دیگران سود می‌برد باید در برابر دیگران احساس مسئولیت داشته باشد و گوشه‌ای از بار اجتماع را بر دوش گیرد و در حد توان و استعداد، جامعه را در تأمین نیازمندی‌هایش در حوزه علم و عمل یاری کند.

همانطور که اقتصاد مقاومتی بر رشد و توسعه اقتصادی آثار فردی دارد آثار اجتماعی فراوانی هم بر آن بار می‌شود که به برخی از آنها اشاره می‌گردد:

الف) تأمین نیاز محرومان به لحاظ اقتصادی

اصل کمک به نیازمندان از مسلمات و قطعیات اسلام شمرده می‌شود بر این اساس، هیچ‌گاه فرد قوی با ضعیف به رقابت اقتصادی بر نمی‌خیزد، بلکه او را یاری می‌دهد. اصل تعاون، بیانگر مسئولیت افراد در برابر یکدیگر در فعالیت‌های اقتصادی است. بر اساس این اصل توانگران اسباب ورشکستگی بنگاه‌های ضعیف‌تر را پدید نمی‌آورند و با کمک‌رسانی و واگذاری فرصت‌های مطلوب به ناتوانان از سقوط آنان جلوگیری می‌کند. (میرمعزی، ۱۳۸۱: ج ۳، ص ۱۶۷)

از منظر امام سجاد (علیه‌السلام)، یکی از زمینه‌های اصلاح اقتصادی و برقراری تعادل اقتصادی در جامعه، رفع مشکل اقتصادی نیازمندان و فقیران می‌باشد.

در این راستا آن حضرت می‌فرماید:

«ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ كَانَتْ فِي كَنْفِ اللَّهِ، وَأَظْلَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي ظِلِّ عَرْشِهِ، وَأَمَنَةٌ مِنْ فَرْعِ الْيَوْمِ الْأَكْبَرِ مَنْ أَعْطَى النَّاسَ مِنْ نَفْسِهِ مَا هُوَ سَأَلَهُمْ لِنَفْسِهِ...» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۷۵، ص ۱۴۱)

اگر سه خصلت در مؤمنی باشد در امان خدا است و روز قیامت شامل رحمت الهی می‌شود و از سختی‌ها و گرفتاری‌های صحرای محشر به دور خواهد بود: اولین این خصلت‌ها آن است که در کارگشائی و کمک به نیازمندان و درخواست کنندگان دریغ ننماید...



حضرت سجاد (علیه السلام) جهت برقراری عدالت اقتصادی در جامعه تلاش می نمود و در این راستا یکی از اقدامات آن حضرت جهت رفع مشکلات اقتصادی و معیشتی افراد نیازمند و محروم، دستگیری و کمک های غیرعلنی و بدون ربای آن حضرت است. این عمل علاوه بر ثمرات دنیوی، موجب رحمت الهی و رهایی از سختی ها و شدائد اخروی می شود.

همان طور که روشن شد توسعه و رشد اقتصادی و تعاون در خیرات در گرو درآمد و رقابت سالم می باشد و با وجود تعاون مسلمانان و اطاعت از اوامر الهی است که مسلمانان می توانند از مجرای صحیح و مرضی باری تعالی مال را بدست بیاورند.

ب) گسترش عدالت

گسترش عدالت اقتصادی محور توسعه اقتصادی است. مبارزه همه جانبه و همگانی با مفاصل اقتصادی زمینه ساز تحقق عدالت اقتصادی خواهد بود و این نکته از آن روی اهمیت ویژه ای می یابد که در طراحی الگوی اقتصاد اسلامی باید هیچ نقطه منفی و نکته ضعیفی در میان نباشد و وجود و بروز فسادهای اقتصادی خود عامل شکست این گفتمان خواهد بود.

وقتی در جامعه فرهنگ کار توسعه گونه باشد عدالت از بهترین و زیباترین آثار آن خواهد بود و آثار فراوانی در پی خواهد داشت از جمله رفاه و فراوانی نعمات.

البته باید در اینجا به این نکته اشاره کرد که وفور نعمات و گسترش عدالت راستین جز در زمان ظهور امام مهدی (علیه السلام) محقق نخواهد شد.

بله با ظهور رهبر آینده اجتماعات بشری، نخست پدید فقر و کمبود دارایی در جهت اعاده کرامت انسانی در همه جامعه ریشه سوزی و با تأمین رفاه اقتصادی و گسترش تمام بهره مندی ها، انسان ها را از اسارات مسائل مادی رها ساخته و در پهنه بی کران انسانیت و معنویت وارد می کند. و اینگونه است که عزت انسانها در پرتو جهاد اقتصادی و عدالت تأمین می گردد. (حکیمی، ۱۳۸۵:

ص ۱۱۳)



ج) عزت و سربلندی جامعه اسلامی

دو عنصر، جوهر و ماهیت کارهای اقتصادی، عنصر میانه روی و دوری از اسراف و اتلاف نیروها و امکانات و عنصر مدیریت است. چون روشن است که بدون عامل مدیریت هیچ کار اقتصادی نتیجه‌ای مطلوب ندارد و همه مسائل اجتماعی و برنامه‌ریزی‌های اداری بویژه در امور اقتصادی و مسائل مالی، درک درست و رشد عقل اقتصادی و داشتن مهارت و تخصص لازم در رشته‌های آن همواره ضروری است.

یک مدیریت توانا جامعه مطلوب را بدنبال خواهد داشت و باعث عزت و سربلندی آن جامعه خواهد شد. این مدیریت اقتصادی آگاهانه و مبتنی بر دانش و خرد است که، نقش عواملی که باعث رشد معنوی جامعه می‌شوند را به بیشترین حد خود می‌رساند و در جهت شکوفایی استعدادها و خلاقیت‌های جامعه می‌کوشد، و این مهم جز در جامعه مطلوب بوقوع نمی‌پیوندد.

یک جامعه مستقل و دور از هرگونه وابستگی در مواجهه با مشکلات حاد نه تنها خود را نمی‌بازد بلکه با تدبیر به سر و سامان دادن اوضاع نابسامان موجود می‌پردازد او با تشریح شرایط موجود در جامعه آنها را به صبر، قناعت، امیدواری، کار بیشتر و حفظ کرامت انسانی دعوت می‌کند. (کشوادی، ۱۳۸۶: ص ۸۷)

بنابراین از آثار اصلی توسعه اقتصادی استقلال و عدم وابستگی و عزت جامعه اسلامی است که کار و تلاش صحیح و فراوان، مدیریت درست، رعایت حلال و حرام، ترک تنبلی و اسراف، تپذیر، تعاون اجتماعی، گسترش عدالت، و... میباشد که نتیجه اش می‌تواند استقلال و عدم وابستگی و... باشد.



نتیجه بحث

نتیجه‌ای که از این پژوهش به دست می‌آید این است که از نظر امام سجاد (علیه‌السلام) اقتصاد مقاومتی بهترین وسیله برای پیشبرد و توسعه اقتصاد جامعه است و اقتصاد مقاومتی یکی از زیرساخت‌های مهم مسائل اجتماعی بوده و یک بازوی قدرت برای کشور اسلامی در مسائل سیاسی است. چرا که ضعف در مسائل اقتصادی کشور را آسیب‌پذیر می‌نماید.

گرچه طبق دستور مقام معظم رهبری مطرح شدن اصل اقتصاد مقاومتی و همت گماشتن بر اجرای آن امری نویاست اما اگر رسیدن به جامعه‌ی ایده‌آل مدّ نظر قرار گیرد، توسعه اقتصادی باید امری همیشگی باشد که تقویت‌کننده مسائل معیشتی تمام اقشار جامعه و در مرحله‌ی بالاتر تقویت‌کننده اقتدار و سلامت جامعه اسلامی است.

ریشه بسیاری از ناهنجاری‌ها اعم از فساد، فحشا و سرقت، اغتشاش‌ها، نارضایتی‌ها و همه و همه در بیکاری و رکود اقتصاد جوامع است.

بر اساس نتایج این مطالعه، مضمون دیدگاه امام سجاد (علیه‌السلام) بیانگر این است که دست نیاز به سوی بیگانگان دراز کردن، جهت رفع نیازهای اقتصادی، حاصل و نتیجه‌ی جز زبان و ناامیدی برای فرد و جامعه نخواهد داشت.

بر طبق این الگو و دیدگاه امام سجاد (علیه‌السلام) دل‌سپاری و امیدواری ما به کشورهای غربی و آمریکا در حل مسائل اقتصادی، حاصلی جز سرافکنندگی و پشیمانی نخواهد داشت. همان طور که تا به امروز در عمل مشاهده شده است، دولت‌های غربی و آمریکا در مذاکرات هسته‌ای توافق کرده بودند تا مسائل و موانع اقتصادی بر سر راه کشورمان را برطرف کنند، ولی هیچ عملکرد مثبت و مطلوبی در این زمینه نداشتند و بر وعده‌های خود عمل نکردند.

این امر به خوبی اثبات‌کننده نگرش علمی و والای امام سجاد (علیه‌السلام)، الگویی برای کشور در سیاستگذاری اقتصادی می‌باشد. رعایت اصول اقتصاد مقاومتی در جهت توسعه آن، در بردارنده نتایجی است که می‌توان به نمونه‌هایی از جمله: رفاه اجتماعی، فعالیت بیشتر افراد جامعه، فقرزدایی و برقراری عدالت و قناعت، اشاره کرد.



منابع و مأخذ

✽قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی

✽صحیفه سجادیه

۱. آمدی، عبدالواحد، غررالحکم، محمدعلی انصاری، قم، مؤسسه انتشاراتی امام عصر، ۱۳۸۹.
۲. اختردانش، علی، اسلام و توسعه، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۵.
۳. اسحاقی، حسین، نقشه راه در جهاد اقتصادی، قم، انتشارات خادم‌الرضا، ۱۳۹۰.
۴. بروجردی، سید حسین، جامع الاحادیث الشیعه، مترجمان: احمد اسماعیل تبار، احمدرضا حسینی، محمدحسین مهوری، تهران: انتشارات فرهنگ سبز؛ ۱۳۸۸.
۵. حرّانی، ابومحمد، تحف العقول، قم، انتشارات آل علی، ۱۳۸۵.
۶. حکیمی، محمد، جهانی‌سازی مهدوی و جهانی‌سازی غربی، قم، دلیل ما، ۱۳۸۵.
۷.، عصر زندگی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۳.
۸.، معیارهای اقتصادی در تعالیم رضوی، قم، بنیاد پژوهشهای آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰.
۹.، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۸.
۱۰. دشتی، محمد، امام علی، مسائل اقتصادی، تهران، سازمان تحقیقات نیروی مقاومت بسیج، ۱۳۸۰.
۱۱. طباطبائی، محمدحسین، تفسیر المیزان، محمدجواد حجتی کرمانی، محمدعلی کرمانی قمی، بی‌جا، امیرکبیر.
۱۲. فراهانی فرد، سعید، سیاست‌های اقتصادی در اسلام، تهران، مرکز نشر آثار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۱.
۱۳. کشوادی، طاهره، اقتصاد در خانواده، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۶.
۱۴. کلینی، محمدبن یعقوب، اصول کافی، ترجمه جواد مصطفوی، تهران، انتشارات کتاب فروشی علمیه اسلامی، ۱۳۶۹.



۱۵. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، طبعه الاولى، ۱۴۰۳ ق.
۱۶. محدثی، جواد، اصلاح الگوی مصرف، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۸۸.
۱۷. مطهری، مرتضی، نظری به نظام اقتصادی اسلام، تهران، صدرا، ۱۳۶۸.
۱۸. موسایی، میثم دین، توسعه، فرهنگ، تهران، انتشارات جامعه‌شناسان، ۱۳۹۰.
۱۹. موسویان، عباس، کلیات نظام اقتصادی اسلام، قم، دارالثقلین، ۱۳۷۹.
۲۰. میرمعزی، حسین، ساختار کلان نظام اقتصادی اسلام، تهران، مرکز نشر آثار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۱.
۲۱.،، نظام اقتصادی اسلام مبانی مکتبی، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۷۸.
۲۲. نراقی، مهدی، جهاد اقتصادی، قم، انتشارات مهدی نراقی، ۱۳۹۰.
۲۳. هاشم زئی، حجت، مصرف صحیح، راهکارها و آسیب‌ها از دیدگاه قرآن و حدیث، مشهد، انتشارات سنبله، ۱۳۷۸.
۲۴. هجرتی، محمدحسن، نظام اجتماعی و اقتصادی از دیدگاه امام علی، تهران، انتشارات آسمان آبی، ۱۳۷۹.
۲۵. یوسفی، احمد علی، نظام اقتصاد علوی (مبانی، اهداف اصول راهبردی)، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۵.
۲۶. یوسفی، محمدرضا، کلیات اقتصاد اسلامی، قم، خرم، ۱۳۷۵.

